

تأملی بر وضعیت عقد معلق در حقوق ایران و فرانسه

نعیمه محمدی^۱، علیرضا یزدانیان^{۲*}، محمدمهدی الشریف^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

چکیده

یکی از مباحث مطروحه در حوزه قواعد عمومی تعهدات، تحلیل و بررسی اقسام عقود است. عقد معلق به عنوان قسمی از عقود، یکی از این مباحثی است که تحلیل و بررسی ماهیت و آثار آن، محل بحث و اختلاف بسیاری در میان فقها و حقوقدانان بوده است و در قانون مدنی، اختصاص یک ماده و در فقه اعتقاد بر بطلان عقد معلق، یا اختلاف نظر در مورد آن، سبب ابهام در آثار و احکام تعلیق در حقوق ایران شده است. چنانچه هیچ قاعده کلی در مورد وضعیت قرارداد معلق و آثار و احکام آن در قانون مدنی وجود ندارد. در حالی که در حقوق فرانسه موادی از قانون مدنی به این نهاد حقوقی اختصاص داده شده است. همچنان که دکترین و رویه قضایی نیز در تکمیل مقررات مربوط به آثار و احکام آن تلاش‌هایی انجام داده‌اند. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو، با نگاهی تطبیقی به موضع فقه و حقوق فرانسه، سعی در تبیین وضعیت عقد معلق در حقوق ایران دارد.

واژگان کلیدی: قرارداد، عقد معلق، تعلیق، معلق علیه.

مقدمه

اهمیت تعهدات بر هیچ حقوقدانی پنهان نیست؛ به خصوص در مورد مسائلی مانند تعلیق که در قانون مدنی نیز در مورد وضعیت آن تصریحی نیست. قانون مدنی، ضمان، نکاح

E-mail: a.yazdanian@ase.ui.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



و طلاق معلق را باطل دانسته و نسبت به بقیه عقود، مطلبی ندارد. طبیعی است که چنین سکوتی باعث تشتت آراء میان قضات و حقوقدانان شود؛ لذا یکی از موارد مهمی که مورد توجه نگارندگان قرار گرفته، بررسی همه‌جانبه این عقد و روشن کردن زوایای مبهم آن است.

در حقوق ایران بحث تعلیق کاملاً مبهم بوده و در مورد انواع عقد معلق و وضع حقوقی هر یک، سخنی گفته نشده و در خصوص آثار مترتب بر آن نیز، مطلبی به چشم نمی‌خورد. ماده ۱۸۹ ق.م نیز در خصوص آثار و اوصاف معلق علیه مطلبی بیان نکرده تا بتوان آثار و احکام این نهاد را به درستی بررسی کرد (یزدانیان، ۱۳۸۹: ۱۴۱). در فقه امامیه بر اشتراط تنجیز و بطلان عقد معلق ادعای اجماع شده است. البته امروزه بسیاری از فقها، این اجماع را فاقد حجیت شمرده و بر همین اساس عقد معلق را یا به‌طور کامل صحیح دانسته یا در حد قدر متیقن از اجماع، باطل شمرده‌اند. به‌هرحال مراد از تعلیق عقد، منوط کردن عقد به امری است. به این معنی که متعاقدین انعقاد عقد را در صورت وجود امری، اراده کرده باشند نه به نحو مطلق. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۶۲).

در حقوق فرانسه، قانون مدنی سال ۱۸۰۴ از ماده ۱۱۸۶ تا ۱۱۸۴ به بررسی تعلیق و اقسام آن می‌پرداخت. در سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه اصلاح شد و از ماده ۱۳۰۴ تا ۱۳۴۰-۷ به بحث تعلیق اختصاص یافته است. ماده ۱۳۰۴ ق.م.ف^۱ در مورد تعریف و اقسام آن مقرر می‌دارد: «تعهد زمانی معلق است که به یک رویداد آینده و غیرقطعی بستگی داشته باشد. شرط، زمانی تعلیقی است که تحقق آن تعهد را بدون قید و شرط کند. شرط، زمانی فاسخ است که تحقق آن موجب از بین رفتن تعهد شود.

در حقوق ایران ماده ۱۸۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقد منجز آن است که تأثیر آن برحسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد والا معلق خواهد بود.» در حقوق

1. Article 1304

L'obligation est conditionnelle lorsqu'elle dépend d'un événement futur et incertain.

La condition est suspensive lorsque son accomplissement rend l'obligation pure et simple.

Elle est résolutoire lorsque son accomplissement entraîne l'anéantissement de l'obligation.



ایران، مفهوم مخالف چهار واژه‌ای، به تعریف عقد معلق پرداخته و درعین حال ویژگی‌های معلق علیه، مورد تعریف قرار نگرفته و تفکیک تعلیق از شرط، دشوار می‌نماید. درحالی‌که در حقوق فرانسه خصوصیات معلق علیه موردتوجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در مورد مشروع بودن معلق علیه ماده ۱-۱۳۰۴ ق.م.ف^۱ مقرر می‌دارد: «شرط تعلیقی باید مشروع باشد. در غیر این صورت تعهد باطل است.» همچنین معلق علیه نباید فقط به اراده متعهد وابسته باشد. ماده ۲-۱۳۰۴ ق.م.ف^۲ مقرر می‌دارد: «تعهد معلق به شرطی که تحقق آن صرفاً منوط به اراده مدیون است، باطل است. این بطلان زمانی که تعهد با آگاهی موردا اجرا قرار گرفته باشد، قابل استناد نیست.» (Renault-Brahinsky, 2017: 244) همچنین در دکترین اشاره شده که معلق علیه نباید یکی از عناصر تشکیل‌دهنده قرارداد باشد. همچنان که رویه قضایی همسو با این دکترین است. (Canin, 2013: 189)

در حقوق ایران در غیاب مواد قانونی یکی از ابهامات در مورد وضعیت عقد معلق، در دوران تعلیق است. در فاصله زمانی بین انعقاد عقد تا تحقق معلق علیه (دوران تعلیق)، این نهاد حقوقی معلق، از نوعی عدم ثبات و تزلزل رنج می‌برد و به همین دلیل می‌توان این سؤال را طرح کرد که آیا عقد مذکور، هیچ‌گونه اثر حقوقی ندارد؟ یا باید گفت که در این نوع عقد نیز مانند عقود منجز، حقی، هرچند ناقص، ایجاد خواهد شد؟ (Terré.Simler.Lequette. 2005/1170). در عقد معلق، آیا حقی برای متعهدله به وجود می‌آید که پیش از تحقق معلق علیه بتوان از آن حمایت کرد؟ با فرض صحت عقد معلق، آیا تحقق معلق علیه اثر رجعی داشته و آثار عقد از ابتدا جاری می‌گردد یا اینکه آثار

1. Article 1304-1

La condition doit être licite. A défaut, l'obligation est nulle.

2. Article 1304-2

Est nulle l'obligation contractée sous une condition dont la réalisation dépend de la seule volonté du débiteur.

Cette nullité ne peut être invoquée lorsque l'obligation a été exécutée en connaissance de cause.

عقد از زمان تحقق معلق علیه ایجاد می‌شود؟ به عبارتی وقوع معلق علیه کاشف است یا ناقل؟ جهت پاسخ به ابهامات مذکور در این مقاله موضع فقه و حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ماهیت و جواز تعلیق عقود

۱-۱. تعریف

یکی از تقسیم‌بندی‌های قراردادهای، تقسیم از حیث کیفیت انشاء و نحوه ایجاد است که از این منظر، عقد یا منجز است یا معلق. عقد معلق به معنای منوط و وابسته کردن تحقق آثار عقد بر تحقق امری است. اگرچه میان طرفین عقد معلق، رابطه حقوقی ایجاد می‌شود؛ اما تأثیر کامل عقد، منوط به وقوع امر دیگری است که در عقد پیش‌بینی می‌گردد. (صفایی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷). از این رو معلق علیه، امری است که وجود آن برای تحقق امر دیگر لازم است؛ چنانچه که اگر نباشد معلق هم نیست و اگر به وجود آید برای ایجاد معلق کفایت می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۸۰). در فقه معاملات، تعلیق به معنای وابسته نمودن قرارداد به امری احتمالی از سوی طرفین قرارداد است. (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۷۲).

در قانون مدنی فرانسه مواد ۱۳۰۴ به بعد، احکام عقد معلق را بیان نموده است. همان‌گونه که گفته شد، ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «تعهد، زمانی معلق است که به یک رویداد آینده و غیرقطعی بستگی داشته باشد. شرط، زمانی تعلیقی است که تحقق آن تعهد را بدون قید و شرط کند. شرط، زمانی فاسخ است که تحقق آن موجب از بین رفتن تعهد شود.» در حقوق فرانسه عقد معلق، مطلقاً صحیح است و حتی بدون تعیین ظرف زمانی، هرگاه حادثه آتی و غیرمحمتمل رخ دهد، می‌تواند به‌عنوان تحقق معلق علیه به شمار آید. (Toulet, 2005: 287)



۲-۱. موضع فقه امامیه در قرارداد معلق

۱-۲-۱. محل نزاع در بطلان عقد معلق

در فقه در اینکه تنجیز شرط صحت است یا تعلیق مانع از صحت، اختلاف وجود دارد. اغلب فقهای که از تنجیز صحبت کرده‌اند؛ آن را شرط صحت عقد دانسته‌اند. ثمره این اختلاف مربوط به مقام اثبات است. اگر تنجیز را شرط بدانیم، در موارد شک باید عقد را باطل بشماریم، زیرا شرط نیازمند احراز است؛ اما اگر تعلیق را مانع بدانیم در فرض شک با توجه به اصل عدم، حکم به صحت عقد می‌شود (مروج، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۷۴).

تأمل در کلام فقها نشان می‌دهد که محل نزاع در باب بطلان عقد معلق، عقدی نیست که انشاء آن معلق است؛ زیرا انشاء عقد چیزی جز استعمال لفظ به قصد ایجاد مدلول آن در عالم اعتبار نیست و همان‌طور که ایجاد تکوینی، تعلیق بردار نیست و امر آن مردد بین وجود و عدم است، انشاء اعتباری نیز یا هست یا نیست و تعلیق آن معنا ندارد (سبحانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۶). از این رو برخی از فقها تصریح نموده‌اند که اساساً محل نزاع در باب تعلیق، تعلیق در انشاء نبوده است؛ زیرا چیزی که وقوع آن مستحیل است، بحث از صحت و بطلان آن معنا ندارد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۱: ۱۵۳). البته تعلیق در انشاء به این معنا که در صورت تحقق معلق علیه، شخص عقد را انشاء کند امر معقول و ممکن است، اما مسلماً این فرض مورد بحث در بطلان عقد معلق نیست؛ زیرا در این فرض در واقع انشایی صورت نگرفته و نوعی وعد به انشاء است و با فرض عدم انشاء عقد، سخن از صحت یا بطلان آن معنا ندارد. بنابراین در این جمله که «این شی را فروختم اگر اول ماه فرا رسد» منظور این نیست که اگر اول ماه رسید من بیع را انشاء می‌کنم، بلکه مراد این است که اگر اول ماه رسید این انشاء تأثیر خود را بگذارد بدون اینکه نیاز به انشاء جدیدی باشد.

ظاهراً اولین فقیهی که بین تعلیق در انشاء و منشأ قائل به تفکیک شده و محل نزاع را تعلیق در منشأ دانسته، شیخ انصاری است. هرچند در کلام شیخ به صراحت به دو اصطلاح تعلیق انشاء و منشأ اشاره نشده، ولی عبارت زیر از شیخ در واقع بیانگر این تفکیک و الهام‌بخش فقهای پس از وی در تفکیک صریح بین تعلیق در انشاء و منشأ گردیده است. به گفته شیخ انصاری، استحاله تعلیق در انشاء یا همان استعمال لفظ به قصد ایجاد مدلول کلام، امری واضح است و نمی‌تواند محل کلام فقها باشد؛ بلکه آنچه محل بحث قرار گرفته این است که آیا همان‌گونه که انشاء ملکیت به نحو مطلق و به هر تقدیری ممکن است، انشاء ملکیت بر تقدیر و فرض خاص هم ممکن است یا نه؟ مثلاً شخصی به دیگری بگوید این مال از آن تو باشد اگر فردا زید آمد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۷۰). به گفته شیخ این قسم از تعلیق در عرف و شرع نظایر فراوان دارد مانند وصیت عهدی و تملیکی و نذر و عهد و لذا مسلماً امر مستحیلی نیست و لذا این قسم که امکان وقوع دارد، می‌تواند محل نقض و ابرام از حیث صحت و بطلان از سوی فقها قرار گیرد؛ نه صورتی که اساساً امکان وقوع ندارد.

فقهای پس از شیخ، این تفکیک شیخ را با تعبیر تعلیق در انشاء و منشأ یاد کرده و محل نزاع را تعلیق در منشأ یا همان اثر عقد ذکر کرده‌اند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۱ و نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۴ و بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۹۱ و شبیری زنجانی، بی‌تا، ج ۹: ۳۲۵۲).

از نکات دقیقی که در مورد تعلیق در منشأ باید بدان توجه نمود، تفکیک آن از تعلیق در متعلق عقد است. فقها علاوه بر تفکیک تعلیق انشاء از منشأ، از تعلیق در متعلق منشأ نیز سخن گفته و تصریح نموده‌اند که تعلیق در متعلق عقد، موجب تعلیق عقد و بطلان آن نمی‌گردد. برای روشن شدن موضوع به این مثال توجه کنید. اگر شخصی به دیگری بگوید تو وکیل من هستی که روز جمعه خانه مرا بفروشی. در اینجا وکالت منجز و فعلی است و منوط به چیزی نشده؛ ولی متعلق وکالت که بیع خانه است، مقید به روز جمعه گردیده؛ یعنی بیع روز جمعه متعلق وکالت قرار گرفته است؛ اما اگر گفته شود تو وکیل من در فروش خانه‌ای هرگاه جمعه رسید. در این فرض تحقق وکالت یا همان منشأ معلق به رسیدن روز جمعه شده و تا قبل از جمعه، شخص وکالت ندارد.

مثال مهم دیگر، اجاره برای زمان منفصل از عقد است. همه فقها اجاره برای زمان مؤخر از عقد را صحیح دانسته و معلق نمی‌شمارند، زیرا آنچه در این‌گونه اجاره‌ها معلق است، مالکیت نیست، بلکه مملوک یا همان منفعت است. بر همین اساس وقتی موجر، خانه خود را برای سال آینده اجاره می‌دهد، مالکیت مستأجر بلافاصله از زمان عقد حاصل می‌شود، ولی متعلق مالکیت فعلی و منجز مستأجر، منافع سال آینده ملک است. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۱: ۱۵۵).

مسئله دیگر شمول اشتراط تنجیز، به عقود اذنی و جایز است. مراجعه به کلمات فقهای متقدم و متأخر نشان می‌دهد که اغلب فقها نه تنها بین عقد و ایقاع از حیث لزوم تنجیز تفاوت نگذارده‌اند، زیرا اشکال عدم امکان تعلیق انشاء، شامل ایقاعات نیز می‌گردد (مروج، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۷۷) بلکه بین عقود جایز و لازم نیز تفاوت ننهادند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۲: ۱۲۲). اساساً یکی از مواضع اصلی که فقهای گذشته به لزوم تنجیز و اجماعی بودن بطلان عقد معلق تصریح نموده‌اند، عقد وکالت است. با وجود این، برخلاف فقهای گذشته بسیاری از فقهای معاصر شرط تنجیز را مختص به عقود لازمه دانسته‌اند و گفته‌اند از آنجایی که در عقود اذنی الزام و التزام وجود ندارد، تعلیق آن منافاتی با عقد ندارد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۱: ۱۵۳).

۱-۲-۱. ادله بطلان تعلیق

فقهای معتقد به بطلان عقد معلق، به چند دلیل استناد کرده‌اند که طرفداران صحت عقد معلق در تمامی آن‌ها خدشه نموده‌اند. نخستین دلیل، ادعای اجماع است. اولین کسی که در اعتبار این اجماع تردید نموده مقدس اردبیلی و پس از وی محقق سبزواری، در کفایه الاحکام است. پس از اینان محقق قمی، مضر بودن تعلیق در صحت وکالت را انکار نموده است. در بین فقهای معاصر اغلب ایشان نه تنها در اصل تحقق اجماع تردید کرده‌اند؛ بلکه به دلیل اینکه اجماع مستند به وجوه اعتباری است که در کلمات مجمعی

آمده اجماع را مدرکی دانسته و کاشف از رأی معصوم نمی‌دانند. برخی چون مرحوم محقق خوبی و مرحوم امام خمینی، به‌طور کل این اجماع را فاقد اعتبار شمرده‌اند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۳۲: ۳۰۰) و برخی دیگر آن را در قدر متیقن از اجماع، یعنی تعلیق به امر محتمل آینده، معتبر شمرده‌اند (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۹: ۳۸۲) و برخی دیگر قدر متیقن از اجماع را تعلیق به امر مشکوک الحصول فعلی یا محتمل الحصول آینده دانسته‌اند؛ اعم از اینکه معلق علیه به نحو شرط متأخر یا مقارن لحاظ شده باشد (روحانی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۲۳۹).

دلیل دیگری که برای بطلان عقد معلق بدان استناد شده است، لزوم جزم در عقود است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۹-۱۰). این دلیل اخص از مدعی است؛ زیرا شامل مواردی که طرفین عقد را معلق به امر معلوم التحقق فعلی یا آتی کرده‌اند، نمی‌شود. علاوه بر این، دلیلی بر لزوم جزم در معاملات وجود نداشته و در صورت شک باید به اطلاعات و عموماً صحت، اعتماد نمود. (سبحانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۸)

دلیل دیگر، تفکیک بین سبب، یعنی عقد با مسبب، یعنی اثر عقد است. این دلیل نیز اخص از مدعی است و شامل موارد تعلیق به امر فعلی و نیز تعلیق به امر استقبالی به نحو شرط متأخر، نمی‌گردد. وانگهی دلیل صحت به دلیل اوفوا بالعقود منحصر نیست که گفته شود در عقد معلق، وفا به محض عقد ممکن نیست، بلکه دلایل دیگری مانند احل الله البیع، برای تصحیح این عقد کفایت می‌کند. از سوی دیگر اقتضای دلیل وفا این است که باید به مدلول عقد آن‌گونه که هست وفا نمود. بنابراین اگر عقد منجز باشد مسبب از همان زمان محقق می‌شود و باید به آن وفا نمود؛ اما اگر معلق باشد، پس از تحقق معلق علیه مسبب محقق می‌شود و در آن صورت باید به آن وفا نمود (مروج، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۵۸).

دلیل دیگر که از سوی میرزای نائینی ارائه شده، انصراف ادله صحت عقود به عقود متعارف است و عقد معلق متعارف نیست و لذا مشمول عموماً و اطلاعات صحت قرار نمی‌گیرد. در پاسخ به این دلیل گفته شده که اولاً عقد معلق در عرف، امر نادری نیست و ثانیاً متعارف بودن برخی مصادیق، موجب انصراف اطلاعات و عموماً به فرد

متعارف نمی‌گردد. (روحانی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۲۳۷). به بیان دیگر برای شمول اطلاقات و عموماً بر یک فرد، چیزی بیش از صدق مفهوم کلی بر آن مصداق لازم نیست و متعارف بودن شرط لازم برای صدق کلی بر افراد آن نمی‌باشد. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۶: ۲۱۹).

توقیفیت عقود و اسباب شرعی دلیل دیگری است که بر اساس آن عقد معلق را باطل شمرده‌اند؛ یعنی با توجه به اینکه اعتبار اسباب شرعی موقوف به تأیید شارع است و باید به قدر متیقن اکتفا نمود و قدر متیقن عقد خالی از تعلیق است، پس دلیلی بر اعتبار عقد معلق وجود ندارد. پاسخ این اشکال که شیخ انصاری آن را ضعیف می‌شمارد، این است که اخذ به قدر متیقن مربوط به جایی است که اطلاقات و عموماً صحت عقود وجود نداشته باشد و با وجود این عموماً که دلالت بر صحت هر عقد عرفی می‌کند، در موارد شک به استناد عموماً حکم به صحت فرد مشکوک می‌کنیم. (مروج، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۷۷).

۳-۱. موضع قانون مدنی در قرارداد معلق

قانون مدنی، در خصوص بطلان یا صحت قرارداد معلق، حکم صریحی ندارد؛ می‌توان استدلال کرد که در موارد ابهام و سکوت، نظر مشهور فقها ملاک بوده و نظر قانون‌گذار نیز همین بوده است. در نتیجه، تعلیق در منشأ صحیح بوده و تعلیق در انشاء، عقد را باطل می‌نماید. همچنین با توجه به این که قانون مدنی به بطلان دو عقد معلق، یعنی نکاح و ضمان، بسنده کرده، می‌توان گفت که با صحت تعلیق موافق است؛ زیرا اگر قانون نظر بر بطلان کامل داشت، لزومی نداشت در برخی از موارد، صرفاً به بطلان برخی مصداق آن تصریح نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۰۶).

از نظر تحلیلی، اگر بنا بر اعتقاد به صحت عقد معلق در نظام حقوق مدنی ایران باشد و با تفکیک در انشا و منشأ نظر بر بطلان تعلیق در انشا و صحت در تعلیق در منشأ باشد، نیاز به قواعد عمومی برای تعلیق احساس می‌شود. همان‌گونه که چنین نیازی در حقوق مدنی فرانسه احساس شده است. در همین راستا به نظر می‌رسد با توجه به نظر صحت تعلیق در فقه امامیه، اگر یک جریان دکترینی حقوق مدنی بتواند قواعدی را در مورد تعلیق در انعقاد (یزدانیان، ۱۳۸۹: ۳۳۴-۳۱۷) و تعلیق در انحلال عقد (یزدانیان، ۱۳۸۸: الف ۲۳۲-۲۰۵) و نیز قواعدی در بیان کیفیت و ویژگی معلق علیه، برای تفکیک از شرط ضمن عقد (یزدانیان، ۱۳۸۸: ب ۱۵۹-۱۴۱) تنظیم کند؛ در آینده، نظام حقوقی ایران به سهولت خواهد توانست از جنبه تقنینی ابهام و سکوت قانون مدنی را بر طرف سازد.

۲. اقسام تعلیق

۲-۱. فقه

با توجه به این‌که در فقه، نوع معلق علیه بی‌تأثیر بر انواع تعلیق نیست، باید اشاره کرد که از نظر فقها برای تحقق تعلیق لازم نیست معلق علیه امر محتمل در آینده باشد بلکه ممکن است امر مسلم در آینده مانند رسیدن زمان خاص باشد. در اصطلاح فقهای متقدم از امر محتمل، تعبیر به «شرط» و از امر مسلم الحصول، تعبیر به «صفت» شده است. علامه حلی در کتاب تذکره می‌نویسد: «تنجیز در عقد واجب است و بنابراین تعلیق عقد به شرط و صفت جایز نیست؛ مانند اینکه بگوید این مال را به تو مضاربه دادم به فلان مقدار، هرگاه داخل خانه شدم یا هرگاه اول ماه شد» (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۷: ۱۲). محقق کرکی نیز عبارتی به همین مضمون دارد. به گفته وی تنجیز، شرط صحت عقد است پس اگر عقد را معلق به شرط، مانند دخول در خانه کند؛ یا معلق بر صفت، مانند طلوع خورشید کند؛ عقد صحیح نیست (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۵۴). شهید ثانی در شرح عبارت محقق حلی که می‌گوید «وقف اذ جاء رأس الشهر او ان قدم زید لم یصح» و می‌نویسد: محقق دو مثال ذکر کرده تا نشان دهد فرقی بین تعلیق به وصف که حتماً واقع می‌شود، مانند آمدن اول ماه که از آن تعبیر به صفت می‌شود و تعلیق به امر

محتمل الوقوع، مانند آمدن زید که از آن تعبیر به شرط می‌شود، وجود ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۳۵۷).

بر اساس انواع معلق علیه، عقد معلق را به چند قسم اصلی تقسیم کرده‌اند. معلق علیه ممکن است امر حالی باشد یا استقبالی و ممکن است امر محتمل الوقوع باشد یا امر معلوم التحقق و در هر صورت ممکن است امری باشد که صحت عقد متوقف بر آن است و نیز ممکن است این‌گونه نباشد.

بنا بر دیدگاه لفظ‌گرایانه که تا پیش از شیخ انصاری در بین فقها شهرت داشت، اگر عقد با ادات شرط معلق به چیزی شود که صحت عقد بر آن متوقف است، عقد باطل است؛ خواه آن شرط، امر فعلی یا آینده و یا معلوم التحقق یا محتمل باشد؛ مثلاً اگر بگوید خانه را فروختم اگر ملک من باشد، عقد باطل است چه علم به مالکیت داشته یا نداشته باشد و همچنین اگر بگوید خانه را به تو فروختم به فلان مبلغ اگر قبول کنی. عقد به دلیل تعلیق به امر محتمل در آینده، معلق و باطل است؛ اگرچه قبول، شرط تحقق و صحت عقد است. از زمان شیخ انصاری به بعد، اغلب فقها تعلیق به شرایط صحت اعم از شرایط شرعی یا عقلی را باطل نمی‌شمارند و معتقدند معلق کردن عقد به چیزی که شرعاً یا عقلاً عقد بر آن متوقف است، چیزی جز تأکید حکم شرع یا عقل نبوده و تعلیق عقد از سوی متعاقدين به حساب نمی‌آید. (خویی ۱۴۱۸ ق، ج ۳۶: ۲۱۵) بنابراین از بین اقسام تعلیق این چهار قسم را محکوم به صحت می‌دانند.

در بین سایر اقسام، فرضی که معلق علیه امر فعلی بوده و طرفین علم به آن دارند و در واقع مسلم الحصول است نیز از دیدگاه اکثر فقهای معاصر، از شمول حکم بطلان خارج است و لذا اگر کسی بگوید خانه را فروختم اگر امروز جمعه باشد، این نحو از تعلیق را نیز مبطل عقد نمی‌دانند؛ زیرا اولاً شمول اجماع نسبت به این فرض مسلم نیست

و ثانیاً در این فرض، عدم وجود جزم - که برخی از فقها بطلان عقد معلق را مستند به آن می‌دانند - منتفی است (خویی، ۱۴۱۸، ق، ج ۳۶ : ۲۱۶).

بیشترین اختلاف در سه فرض باقیمانده یعنی تعلیق عقد به امر فعلی محتمل و تعلیق عقد به امر آینده مسلم یا محتمل است. شیخ انصاری این سه فرض را قدر متیقن از اجماع بر بطلان عقد معلق دانسته و محکوم به بطلان می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ق، ج ۳: ۱۶۷). بنابراین نظر، اگر کسی بگوید خانه‌ام را فروخته‌ام اگر امروز جمعه است ولی علم به جمعه بودن نداشته باشد؛ (تعلیق به امر محتمل فعلی) و نیز فرضی که کسی بگوید خانه‌ام را فروختم، اگر اول ماه رسید؛ (تعلیق به امر مسلم در آینده) و نیز فرضی که شخص بگوید خانه‌ام را فروختم، اگر زید از سفر آمد؛ (تعلیق به امر محتمل آینده) عقد باطل است. البته در فرض دوم یعنی تعلیق به امر معلوم الحصول در آینده، شیخ انصاری صورتی را مشمول اجماع و باطل می‌شمارد که مثلاً بایع، عقد را برای طرف زمان تحقق معلق علیه انشاء کند؛ نه صورتی که بایع بیع خود را از الان معلق بر حصول آن امر مسلم می‌نماید. بنابراین اگر بایع بگوید خانه را فروختم اگر ماه رمضان برسد، اگر مراد، تحقق مالکیت از زمان رسیدن ماه رمضان باشد؛ عقد معلق و باطل است؛ اما اگر منظور این باشد که پس از رسیدن ماه رمضان ملکیت از حین عقد برای مشتری محقق گردد، درواقع چون تحقق معلق علیه معلوم و مسلم است، عقد بر چیزی بیش از آنچه واقعاً بر آن معلق است، معلق نگردیده است.

ثمره مهم این نظر، این است که شرط تأخیر مالکیت تا زمان خاص، نوعی تعلیق و باطل است؛ اما اگر مالکیت فعلی را معلق به رسیدن زمان خاصی نمایند عقد با مشکلی روبرو نیست.

۲-۲. حقوق فرانسه

در فرانسه، تعلیق، دو نوع است. (Canin, 2013: 189) چنانچه تعلیق در قرارداد را می‌توان به «تعلیق در انعقاد عقد یا شرط تعلیقی» (La condition suspensive) و «تعلیق در انحلال عقد یا شرط فاسخ» (La condition résolutoire) تقسیم نمود (Mazeaud, 1978/1051). بدین شرح که گاهی تعلیق در تشکیل عقد است و گاهی نیز

تعلیق در انحلال آن است (Légier, 2001/215). اثر این دو شرط متفاوت است که در ذیل توضیح مختصری داده خواهد شد.

۲-۲-۱. تعلیق در انعقاد عقد

در حقوق فرانسه تعلیق در انعقاد عقد یا شرط تعلیقی، چنین تعریف شده است: «تعلیق در انعقاد عقد یا شرط تعلیقی، واقعه آینده و نامشخصی است که تولد تعهد و عقد را به حالت تعلیق درمی‌آورد.»^۱ (Canin, 2013: 189) اثر تحقق این شرط در فرانسه تولد و ایجاد عقد و تعهدات ناشی از آن است.^۲ (Renault-Brahinsky, 2017: 244)

۲-۲-۲. تعلیق در انحلال عقد

در حقوق فرانسه تعلیق در انحلال عقد یا شرط فاسخ چنین تعریف شده است که «تعلیق در انحلال عقد یا شرط فاسخ، رویداد آینده و غیرقطعی است که منجر به از بین رفتن تعهد یا عقد می‌شود»^۳ (Canin, 2013: 189) اثر تحقق این شرط در فرانسه، از بین بردن عقد و تعهدات ناشی از آن است.^۴ (Renault-Brahinsky, 2017: 244) موضوع این نوشتار تعلیق در انحلال نبوده و در قسمت بعد آثار عقد معلق را بررسی می‌نماییم.

1. La condition suspensive est l'événement futur et incertain qui suspend la naissance de l'obligation.
2. lorsque la condition est suspensive, la naissance de l'obligation est suspendue à l'accomplissement de cette condition: l'accomplissement de la condition rend l'obligation pure et simple.
3. La condition résolutoire est l'événement futur et incertain qui entraîne la disparition de l'obligation.
4. lorsque la condition est résolutoire, l'obligation naît immédiatement et produit tous ses effets: l'accomplissement de la condition entraîne l'anéantissement de l'obligation.

۳. آثار قرارداد معلق

در این قسمت در پی پاسخ به سؤالات مطرح‌شده در مقاله، ابتدائاً آثار عقد معلق، پیش از تحقق معلق‌علیه و سپس آثار آن بعد از تحقق معلق‌علیه، بیان خواهد شد.

۳-۱. آثار قرارداد پیش از تحقق معلق‌علیه

در عقد معلق، قبل از حصول معلق‌علیه حقی به وجود می‌آید. (سنهوری، ۱۹۹۳، ج ۳: ۳۹). این حق به ارث می‌رسد. همچنین این عقد لازم بوده و به بهانه معلق بودن چنین قراردادی، نمی‌توان آن را فسخ کرد. همچنین هر یک از طرفین می‌تواند اقداماتی را برای حفظ حق موجود خود انجام دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۶۶).

در حقوق فرانسه، قبل از حصول معلق‌علیه تعهدی به معنی دقیق آن به وجود نمی‌آید (Delebecque, Jérôme pansier, 2016: 138)؛ اما به تعبیر برخی گرچه نه یک حق کامل (Malaurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2016: 558) بلکه یک بذر و جوانه‌ای از حقی در دارایی متعهدله به وجود می‌آید (Canin, 2013: 189). در این مرحله، در حقوق فرانسه تصریح شده که اصولاً آثار یک عقد منجز به وجود نمی‌آید (Fages, 2017: 139)؛ اما برای ماهیت رابطه حقوقی موجود در عقد معلق پیش از تحقق معلق‌علیه، دو خاصیت ذکر شده است: یکی امکان حفظ حقوق احتمالی و دیگری وراثت. ماده ۵-۱۳۰۴ ق.م. ف.ا، در همین راستا مقرر می‌دارد: «قبل از تحقق شرط تعلیقی، متعهد باید از هر عملی که مانع اجرای صحیح تعهد می‌شود، خودداری کند. متعهدله می‌تواند هر اقدام محافظتی را انجام دهد و اعمالی را که متعهد در تزییع حقوق او انجام داده است، مورد اعتراض قرار دهد. تا زمانی که شرط تعلیقی محقق نشده باشد، آنچه پرداخت شده است، قابل استرداد می‌باشد.» بنابراین تردیدی نیست که در این مرحله حقی به وجود می‌آید، اما به نحو ناقص (یزدانیان، ۱۳۹۶: ۱۹۵). چنانچه در عقد تملیکی معلق، قبل از

1. Article 1304-5

Avant que la condition suspensive ne soit accomplie, le débiteur doit s'abstenir de tout acte qui empêcherait la bonne exécution de l'obligation; le créancier peut accomplir tout acte conservatoire et attaquer les actes du débiteur accomplis en fraude de ses droits.

Ce qui a été payé peut être répété tant que la condition suspensive ne s'est pas accomplie.

حصول معلق‌علیه، مالکیت منتقل نمی‌گردد و تملیک منوط به حصول معلق‌علیه است (Mazeaud, 1978/1052). در عقد عهدی معلق نیز، قبل از حصول معلق‌علیه، ذمه‌ای مشغول نمی‌باشد؛ هرچند طرفین قرارداد نمی‌توانند از مفاد عهد خود سرپیچی کنند و عقد نیز در حدود مقتضای خود دارای اثر حقوقی است. گر چه پیش از وقوع معلق‌علیه، سرنوشت قرارداد نامعلوم باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۲۶)؛ بنابراین در عقد تملیکی متعهدله قادر نیست تا با بایع را الزام به تسلیم مبیع کند و در عقد عهدی نیز متعهدله نمی‌تواند متعهد را الزام به انجام تعهد کند. (Flor.Aubert.Flour.Savaux, 2006: 207) همچنان که در فرض تأخیر در وفای به عهد، مسئولیت مدنی قراردادی قابل‌تصور نیست (Mazeaud, 1978/1052)؛ زیرا متعهد قبل از حصول معلق‌علیه، مکلف به وفای به عهد نیست و با فقدان تعهد بین طرفین، اسباب سقوط تعهدات مانند ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر و مالکیت ما فی ذمه نیز قابل استناد نمی‌باشد.^۱

۲-۳. آثار قرارداد پس از تحقق معلق‌علیه

با تحقق معلق‌علیه، دوران تعلیق پایان یافته و سرنوشت عقد معلق روشن می‌گردد. چنانچه عقد، به وجود آمده و بین طرفین رابطه قراردادی به وجود می‌آید. (Starck, 1972/548) اما سؤال اساسی این است که آیا تحقق معلق‌علیه به نحو کاشف است یا به نحو ناقل؟ منظور از نظریه کشف این است که با تحقق معلق‌علیه آثار عقد از روز انعقاد مؤثر ایجاد خواهد شد و مفهوم نظریه نقل این است که با تحقق معلق‌علیه، آثار قرارداد از زمان تحقق معلق‌علیه ایجاد می‌شود.

در مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون مدنی در مورد معاملات فضولی نظریه کشف حکمی پذیرفته شده است و تنفیذ مالک از روز انعقاد قرارداد، مؤثر است نه از زمان تنفیذ

۲. برای مقایسه آثار تعلیق در انعقاد و تعلیق در انحلال در ایران و فرانسه ر.ک. (یزدانیان، ۱۳۹۶، ۱۸۱ به بعد)

مالک. در حقوق ایران در مورد تعلیق، حکمی وجود ندارد مگر این‌که بتوان گفت که با وحدت ملاک، نظریه کشف در معاملات فضولی، به قرارداد معلق نیز تسری یابد.

در فقه مسئله کاشفیت یا ناقلیت علی‌رغم اهمیت بسیار آن، در اغلب کتب فقهی مورد توجه قرار نگرفته و دلیل آن نیز عمدتاً اعتقاد به بطلان عقد معلق و بی‌ثمر بودن این بحث بوده است؛ اما با وجود این، مسئله مهمی که باید روشن شود این است که مراد فقهای که عقد معلق به امر آینده را باطل شمرده‌اند کدام صورت است؟ آیا مراد آنان، عقدی است که طرفین قصد نموده‌اند، اثر عقد پس از تحقق معلق علیه و برای زمان پس از آن، ایجاد گردد یا مراد فرضی است که طرفین خواسته‌اند در صورت وقوع معلق علیه، عقد اثر خود را از ابتدا بگذارند و یا اینکه هر دو صورت، از نظر آنان مصداق عقد معلق و باطل بوده است؟ هر چند گفته شد که این موضوع به صراحت در کلمات فقها مورد بررسی قرار نگرفته است، اما برخی از فقهای پس از شیخ انصاری قسم اخیر را بر دو قسم قابل‌تصور دانسته‌اند و تنها یک قسم آن را داخل در اجماع بطلان عقد معلق شمرده‌اند که از آن می‌توان استفاده نمود که عقد معلقی که ادعای بطلان آن شده، قسمی است که اثر عقد از عقد منفک شده و معلق علیه جنبه ناقل دارد و فرض دیگر معلق نبوده یا معلقی که بر بطلان آن ادعای اجماع شده، نیست. به گفته این فقها ممکن است معلق علیه یا قید مورد نظر متعاقبین به نحو شرط متأخر، لحاظ شده باشد. به این معنی که طرفین ملکیت فعلی را بر فرض تحقق آن قید در آینده، انشاء کرده‌اند و گاه معلق علیه را به نحو شرط مقارن لحاظ کرده‌اند. به این معنی که ملکیت پس از تحقق معلق علیه و مقارن با آن را انشاء کرده‌اند. از نظر این فقها قدر متیقن از اجماع، فرض دوم، یعنی لحاظ قید به نحو شرط مقارن است که در آن تأثیر عقد پس از تحقق معلق علیه و برای زمان پس از آن انشاء شده است (روحانی، ۱۴۲۹، ق، ج ۳: ۲۳۸). با توجه به این تقسیم‌بندی مهم می‌توان گفت مراد از تعلیق عقد که از باب اجماع محکوم به بطلان شده است، فرضی است که طرفین خواسته‌اند اثر عقد بعد از وقوع معلق آینده ایجاد گردد و به اصطلاح تحقق معلق علیه جنبه ناقل دارد نه کاشف. استدلالی که این ادعا را تأیید می‌کند این است که یکی از ادله بطلان عقد معلق، فاصله افتادن بین عقد و اثر آن

در عقد معلق است. بنابراین اگر قصد متعاقدين اين باشد که در فرض تحقق معلق عليه عقد از ابتدا مؤثر گردد، چنین محظوری پیش نیامده و اثر عقد، از عقد فاصله نمی‌گیرد. در حقوق فرانسه اثر حصول معلق عليه خواه در انعقاد معلق یا انحلال معلق، وابسته به اراده طرفین است. (Malaurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2016: 558) در حقوق فرانسه ماده ۶-۱۳۰۴ ق.م.ف^۱ در مورد اثر تحقق معلق عليه، در تعلیق در انعقاد عقد، مقرر می‌دارد «تعهد، با تحقق شرط تعلیقی به تعهد محض و بدون قید و شرط تبدیل می‌شود. با وجود این، ممکن است طرفین شرط کنند که تحقق شرط تعلیقی، به روز عقد عطف به ماسبق باشد. با این حال، ریسک شیء موضوع تعهد، بر عهده متعهد است که اداره خود را حفظ می‌کند و تا تحقق شرط، مستحق منافع و ثمره است. در صورت عدم تحقق شرط تعلیقی، چنین تلقی می‌شود که تعهد هرگز وجود نداشته است.» بنابراین، از ماده قابل استنباط است که در تعلیق در انعقاد عقد، اثر تحقق معلق عليه از روز تحقق معلق عليه بوده و عقد از آن زمان کامل و منجز می‌شود. مگر این که طرفین شرط کنند که معلق عليه اثر قهقرایی داشته و از روز عقد مؤثر واقع افتد. به عبارتی، در تعلیق در انعقاد، نظریه نقل پذیرفته شده؛ مگر اعمال نظریه کشف شرط شده باشد؛ اما در تعلیق در انحلال، اثر تحقق معلق عليه از روز عقد به صورت قهقرایی است؛ مگر شرط شده باشد که از روز تحقق معلق عليه مؤثر باشد. ماده ۷-۱۳۰۴ ق.م.ف^۲ در این مورد مقرر

1. Article 1304-6

L'obligation devient pure et simple à compter de l'accomplissement de la condition suspensive. Toutefois, les parties peuvent prévoir que l'accomplissement de la condition rétroagira au jour du contrat. La chose, objet de l'obligation, n'en demeure pas moins aux risques du débiteur, qui en conserve l'administration et a droit aux fruits jusqu'à l'accomplissement de la condition.

En cas de défaillance de la condition suspensive, l'obligation est réputée n'avoir jamais existé.

2. Article 1304-7

L'accomplissement de la condition résolutoire éteint rétroactivement l'obligation, sans remettre en cause, le cas échéant, les actes conservatoires et d'administration.

La rétroactivité n'a pas lieu si telle est la convention des parties ou si les prestations échangées ont trouvé leur utilité au fur et à mesure de l'exécution réciproque du contrat.

می‌دارد: «تحقق شرط فاسخ به صورت عطف به ماسبق و قهقرایی، تعهد را از بین می‌برد؛ بدون اینکه در صورت لزوم، اعمال حفاظتی و اداری زیر سؤال برود. اگر این توافق طرفین باشد یا موضوعات و تعهدات انجام تعهدات مبادله شده مفید بودن آن‌ها در اجرای متقابل قرارداد باشد، عطف به ماسبق نمی‌شود».

نکته دیگر نحوه تحقق معلق علیه است. آیا معلق علیه باید به صورت خودکار محقق گردد یا اگر با دخالت شخص ثالث نیز محقق شود، می‌توان آن را تحقق یافته تلقی نمود؟ در حقوق فرانسه به این وضعیت «پایان حکمی تعلیق» گفته شده است؛ یعنی در این فرض، معلق علیه نه به صورت طبیعی و خودکار، بلکه با دخالت فرد ذینفع تحقق می‌یابد. ماده ۳-۱۳۰۴ ق.م.ف^۱ در این مورد مقرر می‌دارد: «شرط تعلیقی، در صورتی تحقق یافته تلقی می‌شود که ذینفع آن، مانع از تحقق آن شده باشد. شرط فاسخ در صورتی تحقق نیافته تلقی می‌شود که تحقق آن توسط طرفی که در آن منفعت داشت محقق شده باشد». در نتیجه در مواردی دخالت ذینفع، سبب می‌گردد که معلق علیهی که در واقع محقق نشده است، از نظر حکم، مشابه معلق علیه تحقق یافته، تلقی گردد (یزدانیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۳). نکته دیگر این‌که بر مبنای یک رویه (Delebecque, Jérôme, 2017: 140) از تعلیق می‌توان صرف نظر کرد. (Renault-Brahinsky, 2017: 244) ماده ۴-۱۳۰۴ ق.م.ف^۲ مقرر می‌دارد: «ذینفع اختیار دارد که از شرط تعلیقی که صرفاً به نفع وی درج شده صرف نظر کند تا زمانی که آن شرط محقق نشده باشد». بنابراین به نظر می‌رسد تا قبل از حصول معلق علیه، می‌توان از چنین اختیاری استفاده کرد. (Fages, 2017: 140)

1. Article 1304-3

La condition suspensive est réputée accomplie si celui qui y avait intérêt en a empêché l'accomplissement.

La condition résolutoire est réputée défaillie si son accomplissement a été provoqué par la partie qui y avait intérêt.

2. Article 1304-4

Une partie est libre de renoncer à la condition stipulée dans son intérêt exclusif, tant que celle-ci n'est pas accomplie.



۴. نتیجه‌گیری

قانون مدنی ایران در بیان وضعیت و آثار قرارداد معلق حکم صریحی نداشته و فقط عقد ضمان، نکاح و طلاق معلق را باطل اعلام کرده و در مورد بقیه عقود و ایقاعات سکوت نموده است. دلیل این سکوت عمیق را می‌توان در نظریه مشهور فقها ناظر به بطلان قرارداد معلق جستجو کرد که با این‌چنین وضعیتی جز این هم انتظار نیست که احکام و آثار قرارداد معلق به صورت مبسوط مطرح نشده باشد. در وضعیت کنونی یا باید عقد معلق را باطل دانست یا صحیح. بنا به دلایلی نمی‌توان اعتقاد به بطلان آن داشت، در نتیجه به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز، دکتترین می‌تواند با توسل به نظر فقهای که اعتقاد به صحت آن دارند و نیز با استمداد از حقوق تطبیقی به‌ویژه حقوق فرانسه، آثار مترتب بر هرکدام از انواع تعلیق را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. حرکتی که می‌تواند از تشتت آراء جلوگیری کند و شاید در آینده قانون‌گذار ایرانی را ترغیب کند تا مانند قانون‌گذار فرانسوی، آثار و احکام قرارداد معلق را در حقوق ایران منعکس سازد.

۵. منابع

۱-۵. فارسی

الف) کتب

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۹.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط ترمینولوژی حقوق؛ تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۸.
۳. صفایی، حسین، قواعد عمومی قراردادها، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ یازدهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹.

۴. کاتوزیان، ناصر، تحولات حقوق خصوصی، تعلیق در تعهدات؛ چ. ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۵. کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چ. ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
۶. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج. ۱، چ. ۲، تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۷۲.
۷. محقق داماد، مصطفی، قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، حسن، عبدی پور، ابراهیم، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۴.
۸. یزدانیان، علیرضا، درس‌هایی از حقوق مدنی تطبیقی: مطالعات تطبیقی در حقوق تعهدات؛ چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۶.

ب) مقالات

۹. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۷). شرعی، الهام؛ عباسیان، رضا؛ مهدوی، محمدهادی، «پایان واقعی و حکمی قراردادهای معلق با نگاهی به حقوق فرانسه»، مطالعات حقوقی، ۱۰(۱): ۱۶۰-۱۲۹.
۱۰. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی آثار تعلیق در تشکیل و انحلال تعهدات در حقوق ایران و فرانسه»، حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مقالات موضوعی، دوره ۴۰: ۳۳۴-۳۱۷.
۱۱. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۸) (الف). «تحلیلی از تعلیق در انحلال عقد در فقه امامیه و حقوق فرانسه» مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۴۱ (۱/۸۲): ۲۳۲-۲۰۵.
۱۲. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۸) (ب). «ویژگی‌های معلق علیه در فقه، حقوق ایران و فرانسه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دفتر ۱: ۱۵۹-۱۴۱.

۲-۵. منابع عربی

۱۳. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۵، المکاسب، ج ۳، چ ۳، چاپ قم: المؤتمر العالمی لمناسبه الذکری المئویہ الثانیہ لمیلاد الشیخ الاعظم الانصاری،

۱۴. بجنوردی، میرزا حسن، (۱۳۷۷). القواعد الفقهيہ، ج ۳، چ ۱، قم: نشر الہادی،
۱۵. جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۳). موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذہب اهل البيت (عليہم السلام)، ج ۳۲، چ ۱، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت،
۱۶. حلی، (علامہ) یوسف، (۱۴۱۴)، تذکرہ الفقہاء، ج ۱۰ و ۱۷، چ ۱، قم: موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث،
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸). موسوعه الامام الخويي، ج ۳۱، ۲۱ و ۳۶، چ ۳، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی،
۱۸. روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۷). منهاج الفقاهه، ج ۳، چ ۵، قم: انوار الہدی، ۱۴۲۹.
۱۹. سبحانی، جعفر، احکام البیع فی الشریعہ الاسلامیہ الغراء، ج ۱، چ ۱، قم: موسسه الامام الصادق (ع)، بی تا.
۲۰. سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۳). الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، ج ۳، چ ۳، بیروت، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه،
۲۱. شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز، بی تا.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳) مسالک الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۵، چ ۳، قم: موسسه المعارف الاسلامیہ.
۲۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۰). حاشیہ المکاسب، ج ۱، چ ۱، قم: اسماعیلیان،
۲۴. کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۸، چ ۲، قم: موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث،
۲۵. مروج، سید محمدجعفر، (۱۴۱۶). هدی الطالب الی شرح المکاسب، ج ۲، چ ۱، بی جا: طلیعہ النور
۲۶. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، (۱۳۷۹). فقه المضاربه، چ ۱، قم: جامعه المفید،
۲۷. میرزای نایینی، محمدحسین، (۱۳۷۳). منیہ الطالب فی شرح المکاسب، ج ۱، چ ۱، تهران: المکتبہ المحمديه.

۳-۵. منابع فرانسوی

28. Canin, Patric, *Droit Civil. Les Obligations*, 6^é. éd, Hachette, 2013.
29. Delebecque, Philippe, Jérôme pansier, Frédéric, *Droit des obligations.Régime général*, 7^é.éd, LexisNexis. 2016.
30. Fages.Bertran. *Droit des obligations*, 7e éd. Librairie général de droit et de jurisprudence, 2017.
31. Flor, Jacques, Aubert, Jean-Luc, Flour, Yvonne, Savaux, Eric, *Droit civil. Les obligations*. 4^é. Ed, sirey. Dalloz, 2006.
32. Légier, Gérard, *Droit Civil, Les Obligations*, 17^é. Ed, Dalloz, 2001.
33. Malaurie,Philippe, Aynes,Laurent,Stoffel-Munck,Philippe,*Droit civil, Les obligations*, 8^é.éd, Editions juridiques associées,Défrenois, 2016.
34. Mazeaud, Henri, Leon, Jean, *Leçons de Droit Civil, Obligations*, T2, 6^é. Ed, Monntchrestien, 1978.
35. Renault-Brahinsky, Corinne, *Droit Civil des Obligations*. 13^é. éd, Gualino, 2017.
36. Starck, Boris, *Droit, civil, Obligation. 1^é. éd. Librairie techniques*, 1972.
37. Toulet, Valerie, *Droit Civil, Les obligations*, Editions paradigme, 1^é.éd, 2005.
38. Terré, Francois, Simler, Philippe, Lequette, Yves *Droit Civil, Les Obligations*, 9^é. Ed, Dalloz, 2005.

Considering the Status of Suspended Contract in Iranian and French law

Naeime Mohammadi¹, Alireza Yazdanian^{2*}, Mohammad Mahdi Al-Sharif³

1. Ph.D. student in Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran
2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran
3. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran

Receive: 06/10/2020

Accept: 01/06/2022

Abstract

One of the issues in the scope of general rules of obligations, is analyzing the different types of contracts. Suspended contract, as a type of contract, is one of those issues that the analyzing its nature and effects has been subject of many discussions and disagreements among the jurists and lawyers. In the Civil Code of Iran, the allocation of one article to the above mentioned issue, alongside the belief in the invalidity of a suspended contract, in Islamic jurisprudence, or disagreements on which, has caused ambiguity in the effects and rules governing the suspension of contracts in the Iranian law. As a result, there is no general rule regarding the status of a suspended contract in the Civil Code of Iran. Whereas, certain articles of the Civil Code of France, have been allocated to suspended contracts. Doctrines and judicial precedents have made efforts to complete the regulations related to the effects and rules of suspended contracts. Accordingly, the present research, holding a comparative approach to the position of Islamic jurisprudence and French law, tries to explain the status of suspended contracts in the Iranian legal system.

Keywords: Contract, Suspended Contract, Suspension, Suspended in Something.

*Corresponding author, a.yazdanian@ase.ui.ac.ir